

زبان بدن راهکاری برای کنایه سازی؛ مطالعه موردی مرزبان‌نامه وراوینی

مسعود کازرانی^۱ - * حسین سلیمی^۲ - مجاهد غلامی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، ادبیات پایداری، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. رایانامه: masoud4639k@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: hsalimi@pgu.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. رایانامه: mojahed.gholami@pgu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	کنایه، بنا بر تعریف بلاغیون متقدم، لفظی است که از آن لازم معنای اصلی‌اش اراده می‌شود اما اراده معنای اصلی حین اراده لازم معنای اصلی
مقاله پژوهشی	نیز جایز است و همین قید کنایه‌ها را از «استعاره» و «مجاز»
تاریخ دریافت:	بازمی‌شناساند. آبخورهای کنایه‌ها گوناگونند و تأمل بر آن‌ها حاکی از آن
۱۴۰۴/۰۵/۱۶	است که گروهی از کنایه‌ها با زبان بدن پیوند دارند؛ یعنی حالاتی از بدن،
تاریخ پذیرش:	تغییراتی فیزیکی یا اشاراتی توسط اعضا به شکلی کنایی بیانگر معنای ثانوی
۱۴۰۴/۰۹/۰۲	است؛ مثلاً گردن برافراشتن، چین به پیشانی انداختن، قدم به جلو برداشتن، آستین افشاندن و ... در این جستار که به روش تحلیل - توصیفی
واژه‌های کلیدی:	و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای فراهم آمده است، این قبیل کنایه‌ها در کتاب
بلاغت	«مرزبان‌نامه» به‌عنوان جامعه آماری مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است.
مرزبان‌نامه	بدین منظور پس از استخراج کنایه‌های موجود در مرزبان‌نامه، این کنایه‌ها
کنایه	با پیش چشم داشتن هسته مرکزی‌شان گونه‌بندی شده‌اند تا نشان داده
زبان بدن	شود که زبان بدن در تولید کنایه‌ها چه نقش‌آفرینی‌ای دارد و نحوه عمل
ارتباط	آن چگونه است. افزون بر آنکه سعدالدین وراوینی، عبارات برگرفته از زبان
	بدن را که دلالتی کنایه دارد، در راستای هدف خود که بازآفرینی ادبی یک
	متن کهن است، با استفاده از شگردهای زیبایی‌شناسیک و بلاغی، به
	شکل‌های ادبی و تصویرسازی‌های ستودنی مختلفی بیان می‌نماید که
	شایان بازشناسانی و بررسی است.

۱. مقدمه

«زبان» نقش‌های گوناگونی دارد و اصلی‌ترین نقش آن ایجاد ارتباط است. با وجود این، آدمیان از دیرباز به شکل‌های دیگری نیز با یکدیگر به ایجاد ارتباط پرداخته‌اند و یکی از این شیوه‌ها حرکات بدن و اشاره‌های سر و دست است که از این‌ها روی هم‌رفته به «زبان بدن» نام برده می‌شود. زبان بدن نیز به‌مثابه زبانی که کارگزاران آن نه اصوات و آواها و واژه‌ها، بلکه حرکات و اشارات بدن است، در ارتباط کنش آفرین است و مفاهیم موردنظر را از یکی به دیگری القا می‌نماید. از دیگر سو در دانش «بیان» به‌مثابه یکی از دانش‌های بلاغی، درباره راه‌های مختلف بیان معنای واحد سخن می‌رود. یکی از این راه‌ها «کنایه» است.

در طول تاریخ، انسان همواره در حال شناخت روش‌های گوناگون برای ایجاد رابطه با جهان پیرامون خود و تأثیرگذاری بیشتر بر اشخاص و مخاطبان خود بوده است و تعاریف مختلفی از ارتباط ارائه نموده. «ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال اطلاعات یا وسایل ارتباطی گوناگون از یک نقطه، یک شخص، یا یک دستگاه به دیگری.» (محسنیان را، ۱۳۶۹: ۴۳) یا «فراگرد تفهیم، تفاهم و تسهیم معنی.» (فرهنگی، ۱۳۷۸: ۱۱)

زبان بدن یا به عبارتی رفتارهای غیرکلامی، یک نوع راه ارتباطی بین اشخاص است که در آن صوت و کلام به کار گرفته نمی‌شود. بلکه تلاش می‌شود تا با استفاده از اشارات، ارتباط غیرکلامی، حرکات فیزیکی بدن و... پیام را به مخاطب خود برسانند. «بیردوسیل^۱ از پیش‌تازان مطالعات غیرکلامی، از گذر شواهد تجربی ثابت کرده است که فقط ۳۵٪ از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود ۶۵٪ باقی‌مانده، مرهون روابط غیرکلامی است. فرد دیگری به نام آلبرت مهربابیان^۲ با تحلیل پیام‌های فرستاده‌شده در یک ارتباط بین فردی دریافته است که: فقط ۷ درصد از معنا با پیام‌های کلامی و ۹۳ درصد به گونه غیرکلامی است.» (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۷۲-۲۷۳) با شناخت اهمیت و نقش زبان بدن در تفهیم و تأثیر پیام به مخاطب، به اهمیت تحقیق و پژوهش در این رابطه به‌خصوص در حوزه ادبیات و علم بیان، پی خواهیم برد.

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

با بررسی آثار ادب فارسی با گزاره‌ها و جملاتی مواجه می‌شویم که برای تأثیرگذاری و کامل‌تر بیان کردن پیام خود، از زبان بدن کمک گرفته‌اند. برخی از این گزاره‌ها، کنایه‌ها هستند. این

^۱ Bierdusil

^۲ Albert mehrabiak

کنایه‌ها با بیان شکل و حالت بدن یا بیان تغییرات رفتاری در حرکات بدن، توانایی ارائه پیام را به شکل رساتر و تأثیرگذارتری دارند. این مقاله با یافتن و بررسی کنایه‌هایی از کتاب مرزبان‌نامه که به بیان شکلی از اشکال زبان بدن، برای ارسال پیام خود استفاده می‌کنند، پرداخته و چگونگی حالات و تغییرات فیزیکی بدن، در ارائه مفهوم و معنا را بیان می‌دارد به شکلی که مشخص شود هر کنایه از چه حالت تن زبانی برای بیان منظور خود بهره می‌گیرد.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

این پژوهش که از طریق روش توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری داده‌ها و کنایه‌های کتاب مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی به‌واسطه مطالعه و بررسی کتابخانه‌ای انجام‌گرفته، کنایه‌ها و گزاره‌هایی که در آن‌ها از زبان بدن و یا حالات و حرکاتی از بدن که متضمن محتوا و ارسال پیام است از کتاب مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی استخراج نموده و با دسته‌بندی این کنایه‌ها بر اساس اندام‌ها و مؤلفه‌ها، کوشش شده نقش بدن و زبان بدن در چگونگی ساختن پیام و ارائه آن به دیگری مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد. در استناد به مرزبان‌نامه نسخه ذیل مورد واکاوی قرار گرفته است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با این مقاله را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

الف. پژوهش‌های مرتبط با مرزبان‌نامه

مهناز فقهی (۱۳۹۶) در «بررسی تطبیقی آرایه ادبی استعاره مکنیه و کنایه در مرزبان‌نامه» به تعریف کنایه و استعاره مکنیه پرداخته سپس اقسام و انواع آن را در مرزبان‌نامه مورد بررسی قرار داده است. توحید نادری (۱۳۹۵) در «بازتاب انواع مجاز، استعاره و کنایه در مرزبان‌نامه» گونه‌های آرایه‌های مجاز، استعاره و کنایه را در مرزبان‌نامه یافته و آن‌ها را دسته‌بندی کرده است.

ب. پژوهش‌های مرتبط با زبان بدن

در زمینه ارتباطات غیرکلامی و زبان بدن پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته که برخی از آن‌ها عبارتند از: کتاب «زبان بدن» (۱۳۷۸) نوشته آلن پیز است. آلن پیز خلاصه‌ای از پژوهش‌های اندیشمندان رفتارشناسی را با تحقیقات دیگر افراد در بسترهای تخصصی آمیخته و هر بخش از زبان بدن را بررسی کرده است.

کتاب «جامعه‌شناسی بدن» از داوید لوبروتون و ترجمه از ناصر فکوهی (۱۳۹۸). این کتاب جامعه‌شناسی بدن را از انواع جامعه‌شناسی نمی‌داند بلکه آن را نوعی از علوم اجتماعی می‌داند.

علی‌اکبر باقری خلیلی و مرضیه زلیکانی (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی» چاپ کرده‌اند. در این مقاله مؤلفه‌های حالات و حرکات چهره، حرکات و حالات سر و گردن، حرکات و اشارات دست و سایر رفتارهای حرکتی، مورد تحلیل سیاسی قرار گرفته است.

سید اسماعیل جعفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با موضوع «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در تاریخ بیهقی» در دانشگاه مازندران ارائه کرده است. در این پایان‌نامه، مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در تاریخ بیهقی بر پایه آموزه‌های علوم ارتباطات مورد بررسی قرار گرفته است. این مؤلفه‌ها عبارتند از: ظاهر فیزیکی، اشاره و حرکت، چهره و رفتار چشمی، فضا و بوم پایی، بساواپی، محیط و زمان.

سید مهدی زرقانی و جمعی از همکاران کتابی با عنوان «تاریخ بدن در ادبیات» (۱۳۹۸) تألیف کردند. این اثر ما را به تحلیل و بازنمایی بدن در ژانرهای (پیشاسلامی، عاشقانه، عربی، حماسی و...) مختلف وامی‌دارد. آسامه جمیل عبدالغنی ربایعه پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «لغة الجسد فی القرآن الکریم» (۲۰۱۰) نوشت: زبان بدن در قرآن و پیام‌های حاصل از زبان بدن را به صورت تطبیقی بررسی کرده است.

استوارت هال (۱۹۹۶) در نظریه جامعه‌شناختی خود به مدل رمزگذاری رمزگشایی (Encoding-decoding model) حرکات بدنی در ایجاد رابطه تأکید می‌کند.

قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «مفاهیم و کارکردهای ارتباطات غیرکلامی در شاهنامه» به بررسی مفاهیم زبان بدن در کنش‌های غیر زبانی شخصیت‌های شاهنامه فردوسی پرداخته شده است. از نتایج تحقیق برمی‌آید که زبان بدن در شخصیت‌های شاهنامه، کاملاً آگاهانه و به قصد جلب توجه مخاطب بوده است که به وسیله آن به بازشناسی هویت فرهنگ ایرانی (بیشتر از رهگذر کنایه سازی و نماد) پرداخته شده است.

ج. پژوهش‌های مرتبط با کنایه

دلخواست حسنی آبدگاه و همکاران (۱۴۰۲) مقاله «بررسی کنایه و انواع آن در ادبیات فارسی» چهارراه گشین نگاشته شد. در این مقاله به انواع دسته‌بندی کنایه پرداخته می‌شود و تفاوت آن با مجاز و ایهام مورد بررسی قرار می‌گیرد. در آخر تاریخچه‌ای از کنایه و مثال‌هایی از آن ارائه می‌شود.

حسن ذوالفقاری (۱۳۸۷) در مقاله «تفاوت کنایه با ضرب‌المثل» به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های کنایه و ضرب‌المثل پرداخته و ملاک‌هایی را برای تشخیص آن‌ها از یکدیگر ارائه کرده است.

۲. زبان بدن راهکاری برای کنایه سازی

۲-۱. درآمدی بر ارتباط فرازبانی

رفتار و زبان بدن افراد تا حدودی وابسته به محیط و شرایط آن هاست. تغییر فضا و محیط با توجه به تغییر طبقات اجتماعی، سبب دگرگونی در رفتارها و زبان بدن افراد می‌شود. انسان در هر موقعیت، روش و سبک ارتباطی خاص خود را دارد. عامل دیگری که سبب شکل‌دهی به رفتارها و حالات بدن در ارتباطات می‌شود؛ فرهنگ حاکم بر ارتباطات جامعه است. «فرهنگ یک مفهوم است که از مشاهده رفتار به دست می‌آید. باید گفت هنگامی که چیزی و رخدادی در رابطه با اندام در نظر گرفته شود، رفتار به شمار می‌آید.» (آشوری، ۱۳۹۶: ۷۶) امروزه روان‌شناسان با مطالعه تغییرات فیزیکی بدن در هنگام گفتگو، به شناخت ویژگی‌های انسان‌ها می‌پردازند. «روان‌شناسی فردی، هرگونه نماد ظاهری، مثل تغییرات چهره، طرز گفتن و رفتار را نشانه‌ای از ساختمان عمقی و منشی فرد می‌داند.» (آدلر، ۱۳۶۱: ۱۶۱) «انحراف ناگهانی سر، تغییر ناگهانی چهره، نوع خنده، تن صدا، سرعت و آهنگ کلام در هنگام صحبت می‌توانند طیف وسیعی از احساسات را به تصویر بکشد.» (کورت، ۱۹۹۷: ۳۴) فردینان دو سوسور معتقد است که: «نشانه‌شناسی دارای همه وسایل به‌کاررفته در جامعه انسانی است که هدف آن ایجاد ارتباط است و عبارت زبانی و وسایل غیرزبانی از قبیل حرکات و اشاره‌ها را دربردارد.» (سوسور، ۱۳۸۷: ۳۶)

در واقع زبان بدن و رفتار انسان نوعی تکلم و ارسال پیام است. «همچنان که ارتباط زبانی را روان‌شناسان نوعی رفتار می‌دانند.» (باطنی، ۱۳۷۳: ۱۱۰) به وسیله زبان بدن می‌توان محدودیت‌های کلام را از میان برداشت و تأثیر محتوا را بر مخاطب بیشتر کرد. «نشانه‌های غیرکلامی، اغلب می‌توانند معانی پیام‌های کلامی را برجسته‌تر نمایند یا بر آن تأکید کنند.» (فورنهام، ۲۰۰۲: ۳)

۲-۲. کنایه چیست؟

«علماء، علم بلاغت را، به چهار بخش عمده تقسیم می‌کنند:

علم معانی (مطابقت کلام با مقتضای حال)

علم بیان (ایراد معنی واحد به طرق مختلف)

علم بدیع (زیبایی و آرایش سخن)

عروض (میزان سخن منظوم)» (میرزانی، ۱۳۸۲: ۸۲۳)

^۱ Korte

^۲ Furnham

در این دسته‌بندی کنایه در علم بیان جای می‌گیرد. «بیان، ایراد معنای واحد به طرق مختلف است، مشروط به این‌که اختلاف آن مبتنی بر تخیل باشد؛ یعنی لغات و عبارات به لحاظ تخییل (تصویر) نسبت به هم متفاوت باشند.» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۲۹) بر اساس علم بیان، کنایه یکی از شگردهای انتقال پیام است که خود چندین نوع را دربرمی‌گیرد. در کتب عرب «هرگاه معنای وضعی لفظ در نظر نباشد، اما به دلیل عدم قرینه مانع، اراده معنای وضعی جایز باشد.» (الهاشمی، ۱۳۴۶) از کنایه استفاده شده است اما «در اصطلاح آن است که لفظی را بگویند و از آن لازم، معنی مجازی اراده کنند. به این شرط که اراده معنی حقیقی هم جایز باشد.» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۰۵) در واقع کنایه نوعی پوشیده سخن گفتن است که گاهی حتی با بیان حالتی از بدن می‌تواند معنا را منتقل کند. «آنچه کلام را هنری، جذاب و گیرا می‌کند، شیوه غیرمستقیم در بیان است و آنچه شعر و نثر را که در خاصیت تأثیر و تلفیق مشترکند از کلام عادی و معمول جدا می‌کند، عبارت است از استعمال لفظ در معنی غیرحقیقی.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۱۵۶)

هر کنایه در بردارنده یک تصویر ذهنی است. «شاعر به کمک ابزارهای تصویری مناسب مانند کنایه، مقصود خود را گسترش می‌دهد؛ چون زبان حقیقی تهدید است و از آنجاکه قادر نیست تمام مکنونات آدمی را بیان کند با گسترده‌های ذهنی کامل می‌شود. زبان مجازی صورتی فراتر از زبان حقیقی محسوب می‌شود؛ یعنی هر تصویر مجازی عبارت است: از صورت خیالی یک کاربرد حقیقی زبان. در یک‌سو واقعیت است که با زبان حقیقی بیان می‌شود و از سوی دیگر مجاز که با زبان خیالی و مجازی به تصویر درمی‌آید؛ بنابراین برای اینکه زبان مجازی را بفهمیم باید آن را به زبان حقیقی برگردانیم و مجازها، استعاره‌ها، رمزها و کنایات را به یک معنی واقعی تاویل کنیم.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۵) در این مقاله معنای اولیه یا مجازهایی جمع‌آوری شدند که حالتی از بدن را بیان می‌کردند و به‌وسیله بیان این حالات، پیامی را به مخاطب تفهیم می‌کنند.

۲-۳. زبان بدن و کنایه

اولین هدف از تکلم و گفتار انتقال پیام است. زبان بدن وسیله‌ای است که برای بهتر ارائه کردن افکار، احساسات و هیجانات، در گفتگوها ایفای نقش می‌کند. «همان اندازه که حرکات بدن به شرایطی که در آن انجام می‌شوند بستگی دارند، به همان میزان نیز به سایر نشانه‌هایی که هم‌زمان با آن فرستاده می‌شود هم وابسته است.» (کونکه، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۷) «اندام‌های بدن از طریق زبان بدن صحبت می‌کنند و معمولاً بیانگرتر هستند و عقیده‌ی مشخص را واضح‌تر از کلمات افشا می‌کنند.» (فیست، جی فیست و آن رابرتس، ۱۳۹۵: ۱۱۲)

در همه جوامع با توجه به شرایط و سبک زندگی گذشتگان و نیاکان آن جامعه، رفتارهایی برخاسته از فرهنگ آن‌ها وجود دارد که به دلیل تکرار این‌گونه کنش‌ها به شکل کنایه و ضرب‌المثل، بر سر زبان افراد آن جامعه افتاده است. «واتسن معتقد بوده که محیط، شکل‌دهنده رفتار انسان است و با کنترل محیط، می‌توان رفتار انسان را تغییر داد.» (حمزه، ۱۳۸۸: ۸۰) در زبان فارسی کنایه‌هایی از این دست موجود است که به‌نوعی نشان‌دهنده کنش‌ها و حالات فیزیکی ایرانیان در شرایط و موقعیت‌های متفاوت بوده است. هر تغییر فیزیکی بدن می‌تواند انتقال‌دهنده پیامی باشد. «اگر شخص دیگری رفتار را مثل یک پیام تفسیر کند و معنایی به آن نسبت دهد، رفتار غیرکلامی به ارتباط غیرکلامی تبدیل می‌شود.» (علمایی، ۱۳۹۰: ۱۷۲)

کنایه دارای لازم و ملزوم است. الفاظ و معانی ظاهری و اولیه را لازم (مکنی به) و معنا و مقصود ثانویه را ملزوم (مکنی منه) گویند. شمس قیس گوید: «کنایت آن است کی چون متکلم خواهد معنی از معانی بگوید معنی دیگر کی از توابع و لوازم معنی اول باشد بیاورد و از این بدان معنی اشارت کند و این صنعت در جمله لغات مستعمل است و به نزدیک خاص و عام متداول» (شمس قیس رازی، ۱۳۳۵: ۳۶۳) در برخی گزاره‌ها، لازم (معنای نزدیک کنایه) شامل بیان تغییرات و حالات بدن است که به‌مرور زمان، بیان آن حالت از بدن دربردارنده ملزوم (معنای دور کنایه یا مقصود آن) شده است و به این شکل سبب آفرینش نوعی از کنایه در زبان فارسی شده است.

۲-۴. قلمرو زبان بدن در مرزبان‌نامه

سعدالدین وراوینی در کتاب مرزبان‌نامه با ایجاد گفتگوهای دونفره و چندنفره به شکل بحث و رقابت‌های کلامی در به کرسی نشاندن مطلب هر شخصیت، سعی می‌کند از تمام شگردهای بیان مطلب در اقناع دیگری استفاده کند. استفاده از زبان بدن و ارتباطات غیرکلامی یکی از این شگردها است که توانسته مطلب و پیام را با تأثیر بیشتر و به شکل زیباتری بیان کند. در این کتاب گاهی با تصویرسازی‌هایی برخورد می‌کنیم که فقط یک حالت فیزیکی از جسم انسان را به تصویر کشیده است؛ اما همین تصویر برای انتقال پیام به مخاطب کافی است. آن دسته از گزاره‌های مرزبان‌نامه که دربردارنده زبان بدن هستند و بیشتر توجه را جلب می‌کنند، کنایه‌ها هستند. سعدالدین وراوینی به‌وسیله کنایه‌هایی که حالتی از بدن و یا حرکت و تغییری فیزیکی از بدن را بیان می‌کند به ارائه مطلب خود پرداخته است.

بیشترین بسامد اعضای بدن در کنایه‌های زبان بدن، در مرزبان‌نامه، به ترتیب عبارت‌اند از: دست که شامل انگشتان هم می‌شود. صورت یا روی که شامل: پیشانی، چشم، دهان و

ابروها می‌شود. پا و قدم، پوشش و لباس، بعد از آن سر و گردن که حرکت به جناحین در بررسی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. مؤلفه بعدی گوش‌ها و در مرتبه بعد دندان‌ها، کمر و دور شکم و سایر حرکات بدن قرار دارند.

۲-۵. کنایه‌های دربردارنده زبان بدن در مرزبان‌نامه

۲-۵-۱. دست و انگشت

پیز^{۱۶} در بیان رابطه دست با مغز در روابط غیرکلامی می‌گوید: «دست‌ها در مقایسه با دیگر اعضای بدن با مغز به‌ویژه در برقراری ارتباط، همکاری بیشتری دارند.» (پیز، ۱۳۷۸: ۴۲) دست‌ها گویی زبانی هستند که خارج از دهان در حرکت هستند. «آنچه در ذهن‌تان بدان می‌اندیشید، به کمک حرکات سر و دست خود منعکس می‌سازید، درحقیقت رد خفیفی از معنای تلویحی آنچه کلماتتان گویای آن نیست، تجربه می‌کنید. حرکات دست شما می‌تواند منعکس‌کننده واقعیت باشد و شاید هم بتوانید آنچه را دیده و یا شنیده‌اید، در هوا ترسیم کنید تا آن را به دیگران انتقال دهید.» (کوئیلیام، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۳)

الف. حالت بدن: پر یا خالی بودن دست‌ها.

کنایه: مَلَّتْ يَدِي (وراوینی، ۱۳۸۴: ۳۳۱): دست مرا پر کردی. کنایه از: ثروتمند و توانا شدن.

کنایه: دست تهی در آستین ماندن (همان: ۴۷۳): بی‌بهره ماندن.

ب. حالت بدن: خشک بودن دست.

کنایه: يَمِينِي أَجْرَمَتْ شَلْتِ يَمِينِي (همان: ۱۴): دست راست من گناه کرد پس خشک و تباه باد دست راستم.

کنایه: وَكَاتَجَعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ (وراوینی، ۱۳۸۴: ۹۹): از افراط و تفریط برکنار باش.

ب. حالت بدن: دست بالا آورده شود و مقابل سینه شخصی گرفته شود.

کنایه: دست رد به سینه نهاد (همان: ۱۳۳): نپذیرفتن و منع کردن.

کنایه: دست منع پیش آورد (همان: ۴۸): نهی کردن و منصرف کردن از انجام کاری.

کنایه: دست بازداشت (همان: ۲۱۹): عدم انجام کاری.

^۱ Pease

ت. **حالت بدن:** دست را باز و گشوده گرفتن یا در حالت بسته و تنگ گرفتن.
کنایه: دست گشودن (همان: ۵۲۸): کاری را آغازیدن.
کنایه: دست تصرف طبع را بسته گردانیدن (همان: ۳۳۳): دست کوتاه کردن از انجام کاری.

ث. **حالت بدن:** دست دراز شده باشد یا دست کوتاه و جمع شده باشد.
کنایه: دست اطالت دراز کرد (همان: ۲۳۸): چپاول کردن و حق کسی را خوردن.
کنایه: کوتاه‌دستی (همان: ۳۷۸): دست بازداشتن و عدم دسترسی.
کنایه: دست کشیده داشت (همان: ۵۱۵): از دیگران چیزی نخواستن.
کنایه: وَ اِنْ كَانَ فِي سَاعِدَيْهِ قِصْرٌ (همان: ۲۸۱). ترجمه: دو ساعد وی کوتاه باشد. کنایه از: توانایی انجام نداشتن و ضعیف بودن.

ج. **حالت بدن:** دست در گردن کسی گرفته شود.
کنایه: دست در گردن موافقت آورد (همان: ۳۲۵): هم‌داستانی و یکدل شدن.

چ. **حالت بدن:** حرکت شستن دست‌ها.
کنایه: دست از نجاست و خساست این جهان شست (وراوینی، ۱۳۸۴: ۱۹۳): چیزی را رها و ترک کردن.

ح. **حالت بدن:** دست‌ها را بالا یا پایین گرفتن
کنایه: دست بر آسمان کرد (همان: ۳۲۱): دعا و راز و نیاز کردن.
کنایه: فرودستان (همان: ۳۲۳): زیردست‌ها و افراد فقیر.
کنایه: انگشت خدمت بر زمین نهادند (همان: ۱۰۸): اظهار بندگی و چاکری کردن.
کنایه: سرانگشت تنبیه در پهلوی ارادت زد (همان: ۱۹): آگاه کردن و هشدار دادن.
کنایه: انگشت قبول بر چشم نهاد (همان: ۱۷۱): پذیرفتن و اطاعت کردن.

خ. **حالت:** انگشت را به دندان گرفتن یا جویدن انگشت.

کنایه: انگشت ندامت عقل خایید (همان: ۳۲۶): پشیمانی.

کنایه: انگشت تعجب به دندان گرفت (همان: ۶۲۹): حیرت‌زده شدن.

۲-۵-۲. چشم

تحقیقاتی که در حوزه اعصاب و روانشناسی انجام گرفته «حاکمی از آن است که چشم نسبت به تفکرات مختلف ذهنی از خود واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهد.» (ودایع، ۱۳۹۹: ۳۶) «تماس چشمی یا عدم آن می‌تواند مطالب زیادی در مورد احساسات و درونیات فرد منتقل کند، برخورد یا عدم برخورد نگاه‌ها می‌تواند گویای علاقه و صمیمیت، دوستی، خجالت، بی ادبی و... باشد.» (سوسمان و دیگران، ۱۳۷۶: ۴۱-۴۲) «از میان حالات رخساری، چشم‌ها مهم‌ترین نقش را بازی می‌کنند. چشم‌ها دارای زبان مخصوص به خود هستند. آن‌ها تبسم می‌کنند، اخم می‌کنند و خستگی یا نگرانی را نشان می‌دهند. نگاه‌ها از فرهنگی به فرهنگی و از قومی به قومی متفاوت هستند.» (پهلوان نژاد، ۱۳۸۶: ۲۳) کنایه‌های مرتبط با چشم عبارت‌اند از:

الف. حالت بدن: سفید شدن چشم.

کنایه: بِيَاضِ الْعَيْنِ (وراوینی، ۱۳۸۴: ۳۱): به معنی بی‌شرم بودن.

ب. حالت بدن: شخصی، دیگری را با گوشه چشم نگاه کند.

کنایه: به گوشه چشم عظمت نگاه می‌کرد (همان: ۶۸۷): مورد توجه قرار دادن.

پ. حالت بدن: بسته شدن یا باز شدن چشم.

کنایه: چشم فرو بست (همان: ۵۳۴): نادیده گرفتن.

کنایه: چشم دوخته (همان: ۴۷۷): کور و پوشیده چشم.

کنایه: چشم گشود (همان: ۳۶۵): آگاه شدن.

ت. حالت بدن: بر چشم چیزی بسته یا بر سیاهی آن چیزی نوشته شود.

کنایه: بر سواد دیده می‌نگاشت (همان: ۴۴۳): چیزی را همیشه جلوی چشم داشتن و ملکه

ذهن کردن.

کنایه: رفاده تعامی بر دیده بست (همان: ۸۱): خود را به نادانی زدن.

۲-۵-۳. روی و پیشانی

اندیشمندان معتقدند: «چهره گویاترین کانال ابراز عواطف است.» (آرژیل، ۱۳۷۸: ۱۳۸) «چهره نخستین جایگاه نشان دهنده وضعیت عاطفی افراد است و در روابط فردی و اجتماعی نقشی بسزا ایفا می‌کند. می‌توان بازخوردهای شخصی و اجتماعی کلام و پیشامدهای پیرامون آن را در حالت‌های چهره جستجو کرد. نظریه پردازان معتقدند حالات چهره بعد از زبان، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی است.» (هارجی، ۱۳۷۷: ۶۳)

الف. حالت بدن: بر پیشانی و ناصیه چیزی نوشته شود یا علامتی زده شود.

کنایه: رقم رقیب بر ناصیه خود کشید (وراوینی، ۱۳۸۴: ۱۲۶): بنده و فرمان بردار شدن.

کنایه: داغ بر ناصیه نهاد (همان: ۴۷۲): زیان و عیبی را همیشه داشتن.

کنایه: بر ناصیه حال او نویسی (همان: ۲۲۳): مطلبی در مورد دیگری بیان کردن.

کنایه: سمت جهالت بر ناصیه عقل آدمی زاد می‌نهاد (همان: ۵۳۴): عیبی را همیشه داشتن.

کنایه: کلف بر ناصیه داشت (همان: ۴۸۸): عیب بر کسی بودن.

ب. حالت بدن: دارای صورت و چهره پاکیزه بودن.

کنایه: پاکیزه منظر (همان: ۱۳۰): نکو دیدار.

پ. حالت بدن: ابرو و پیشانی خود را صاف و بدون چروک گرفتن.

کنایه: ابروی صباحت گشاد (همان: ۱۷۰): گشاده‌رویی و خوش اخلاق بودن.

کنایه: چین از جبین گشاد (همان: ۸۳): شاد شدن.

ت. حالت بدن: صورت را چروکیده و جمع کردن.

کنایه: ترشی پیشانی (همان: ۲۰۳): بدخویی و ناراحتی.

کنایه: گره پیشانی بسته بود (همان: ۵۱۸): ترش‌رویی و بدخلقی.

کنایه: غضب در پیشانی‌اش پدید آمد (همان: ۵۱۸): خشمگین شدن.

کنایه: گره در ابرو داشت (همان: ۲۲۶): ناراحت و بد دیدار بودن.

کنایه: ترش روی بود (همان: ۶۹۰): بدخویی و بداخلاق بودن.

ث. **حالت بدن:** سیاه داشتن.

کنایه: روی دعوی او سیاه گردید (همان: ۲۶۶): باطل شدن ادعا و گناه کار و بی‌آبرو شدن.

کنایه: روی سیاه کردن (همان: ۱۰۰): بی‌آبرو و گناه کار شدن.

ج. **حالت بدن:** چرخاندن صورت به جناحین.

کنایه: روی گردانیدن (همان: ۳۳۶): نپذیرفتن و بی‌اهمیت بودن.

چ. **حالت بدن:** شستن صورت.

کنایه: روی سیاه فروشست (همان: ۶۷۵): طلب توبه کردن از گناه.

۲-۵-۴. **پای و قدم:**

در کتاب مرزبان‌نامه از پا و حالات آن استفاده‌های زیادی برای انتقال پیام صورت گرفته است. کشیدن یا جمع کردن آن، حتی فواصل آن هنگام گام نهادن، همه در بردارندهٔ پیامی خاص در کنایه‌ها هستند.

الف. **حالت بدن:** کشیدن و دراز کردن پا

کنایه: پای از گلیم خود زیادت کشید (همان: ۶۸): از حد خود تجاوز کردن.

کنایه: پای در دامن گلیم که به اندازه خود بود می‌کشیدم (همان: ۵۹۶): حد و محدوده

خود را رعایت کردن.

ب. **حالت بدن:** طناب بر اعضا بدن بسته شدن.

کنایه: بند برپای بست (همان: ۲۸۳): ناتوان شدن و مجبور شدن.

پ. **حالت بدن:** پا را بر چیزی فشار دادن یا جنباندن آن.

کنایه: پای در رکاب ثبات بیفشرد (همان: ۵۲۳): اصرار و تداوم دادن.

ت. **حالت بدن:** باز کردن زیاد پاها هنگام قدم برداشتن.

کنایه: به گام فراخ می‌پیمایید (همان: ۲۵۱): سرعت در انجام کار و رشد زیاد.

ث. **حالت بدن:** گامی را به جانبی گذاشتن.

کنایه: قدمی فرا پیش نهاد (همان: ۴): در کاری جلوتر رفتن.

کنایه: قدم باز پس نهادن (همان: ۲۰۴): منصرف شدن و انجام ندادن کار.

ج. **حالت بدن:** زانوها را جلو گذاشتن و پشت آن‌ها نشستن.

کنایه: در پس زانو نشسته (همان: ۳۸۴): نحیفی و ناتوانی.

چ. **حالت بدن:** چروک و جمع شدن پوست زانو.

کنایه: ثفات زانو بر هم پیچیده (همان: ۶۰۰): رنج و سختی کشیدن و نحیف و بدریخت

شدن.

۲-۵-۵. **سر:**

سر از مهم‌ترین اندام‌های ارتباطی، در جریان زبان بدن است. «حرکات سر با اهداف متعددی

انجام می‌شود. آن‌ها می‌توانند خلق‌وخو و روحیات را نشان دهند، جایگزین کلمات شوند یا

گفته‌ها را تأیید یا رد کنند.» (کونکه، ۱۳۹۴: ۴۷)

الف. **حالت بدن:** پوششی را بر سر پوشاندن.

کنایه: سرپوشیده (وراوینی، ۱۳۸۴: ۶۱۸): باحیا و پاکدامن.

ب. **حالت بدن:** سر را به سمتی و جناحی کشیدن.

کنایه: سر به مقصود یازید (همان: ۶۷): آهنگ مقصودی را کردن.

کنایه: سر در پیش افکند (همان: ۵۱): شرمنده و فروتن و ناراحت بودن.

کنایه: سر بلند بودن (همان: ۳۹۶): برتری یافتن.

پ. **حالت بدن:** سر در لباس کردن یا لباس از سر بیرون آوردن.

کنایه: خرقة از سر برکشید (همان: ۶۷۸): تغییر حالت دادن و وضعیت بهتر شدن.

۲-۵-۶. **گردن:**

در کنایه‌های مرزبان‌نامه گردن با توجه به حرکاتش به جناحین، یا آویختن چیزی به آن حامل

پیام می‌شود.

الف. **حالت بدن:** برافراشتن و بالا گرفتن یا به سمت زمین گرفتن گردن.

کنایه: گردن کشی کرد (همان: ۴۷۹): سرکشی و نافرانی کردن.
کنایه: گردن فرو داشت (همان: ۶۸۰): تسلیم شدن و خود را کوچک شمردن.
کنایه: گردن نهاد (همان: ۳۹۴): پذیرفتن و انجام دادن.

ب. حالت بدن: طوق در گردن داشتن.
کنایه: طوق بندگی در گردن کردند (همان: ۱۲۶): فرمان‌بر و تابع کسی بودن.

پ. حالت بدن: کسی را میان گوش و دوش گذاشتن.
کنایه: أَنْتَ مَنِ بَيْنَ أُذُنِي وَ عَاتِقِي (همان: ۶۱۲-۶۱۳): صمیمی و یکدل بودن.

۲-۵-۷. پوشش و لباس

نوع پوشش می‌تواند مانند اندام‌ها دربردارنده ارتباط غیرکلامی باشد. «نمای ظاهری هر فرد بیش از آنکه نشان‌دهنده هویت شخصی او باشد، بیانگر هویت اجتماعی او بود. لباس و هویت اجتماعی، حتی امروز هم هنوز به کلی از هم جدا نشده‌اند و پوشش افراد به صورت نشانه‌ای از نوع یا موضع طبقاتی یا پایگاه حرفه‌ای آنان باقی مانده است.» (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۴۴)

الف. چگونگی پوشش: دامن، پاک و خشک باشد.

کنایه: دامن نیالود (وراوینی، ۱۳۸۴: ۵۱۵): عیبی را بر خود حمل نکردن.

ب. چگونگی پوشش: دامن خود را بالا کشیدن یا دامن به چیزی گیر کند.
کنایه: دامن‌گیر شد (همان: ۶۱۵): اثر کردن و مواجهه شدن با چیزی. در صفحه ۶۱۵ است.

کنایه: دامن موافقت گرفت (همان: ۶۱۹): همراهی کردن در کاری.

کنایه: دامن به کمر برزد (همان: ۲۲): در پی انجام کاری شدن.

کنایه: اجل دامن و گریبان او بگرفت (همان: ۱۳۶): مردن و جان از دست دادن.

پ. چگونگی پوشش: شخصی دامن خود را درکشد و از چیزی دور کند.

کنایه: دامن افشاند (همان: ۴۷۳): دوری کردن و انجام ندادن کاری.

کنایه: دامن درکشید (همان: ۶۰۳): دوری کردن و نخواستن چیزی را.

ت. چگونگی پوشش: پاها داخل دامن قرار گیرد به طوری که مشخص نباشد.

کنایه: پای در دامن کشید (همان: ۷۹): گوشه نشین و منزوی شدن.

ث. چگونگی پوشش: کلاه بر سر گذاشتن.

کنایه: کلاه بر سر نهاده (همان: ۳۹۷): به شاهی و سروری رسیدن.

کنایه: کلاه مرصع کج نهاده (همان: ۲۹۷): به شکل بزرگان و پادشاهان بودن.

ج. حالت بدن: تکاندن آستین‌ها.

کنایه: آستین افشاند (همان: ۶۸۷): پشت کردن و رها کردن چیزی.

۲-۵-۸. دهان و زبان

دهان و زبان بدون تولید صوت هم می‌توانند انتقال‌دهنده پیام باشند. بسته یا باز بودن و حتی پر یا خالی بودن دهان، کشیدگی یا جمع بودن زبان، برای رساندن پیام به مخاطب می‌تواند کارساز باشد.

الف. حالت بدن: کشیدن و دراز کردن زبان.

کنایه: زبان دراز شد (همان: ۶۱۸): زبان آور و باعزت نفس.

کنایه: زبان دراز کرد (همان: ۶۲۵): زبان کشی و بسیارگویی.

ب. حالت بدن: دهان بستن.

کنایه: دهان شره از خون آشامی در بسته (همان: ۵۶۵): دست کشیدن و انجام ندادن.

پ. حالت بدن: دهان پر داشتن.

کنایه: مَنْ لَمْ تَخْنَهُ نَأْوَهُ تَكَلَّمَ بِمِلِّهِ فِيهِ (همان: ۶۱۸): هر کس زن با وی نادرستی و خیانت

نکند، با دهان پر سخن می‌گوید. کنایه از: با سرافرازی سخن راندن.

۲-۵-۹. کمر و پشت و پهلو:

کنایه‌هایی در مرزبان‌نامه موجود است که با بیان حالات و حرکاتی از کمر و دور شکم به انتقال و ابلاغ محتوا پرداخته است.

الف. حالت بدن: کمر را بستن.

کنایه: زنار به میان بسته (همان: ۲۵۰): کافر و بی‌دین شدن.

کنایه: نطق بر میان بست (همان: ۲۱): آماده انجام کاری شدن.
کنایه: کمر انقیاد بستند (همان: ۴۰): رام شدن و گردن نهادن.

ب. **حالت بدن:** قوس یا خمیده کردن کمر.
کنایه: پشت شکسته بود (همان: ۲۳۷): ناتوانی و تحمل سختی نداشتن.

پ. **حالت بدن:** چهار تکه شدن شکم و پهلو.
کنایه شکم چهار پهلو شدن: (همان: ۳۸۶): سخت فربه و آبادان شد.

۲-۵-۱۰. دندان

در کنایه‌های فارسی حتی دندان‌ها می‌توانند با حرکات و حالات فیزیکی خود منتقل‌کننده پیام باشند. در مرزبان‌نامه، دندان‌ها با فشرده شدن و برخورد با سنگ یا کنده شدن و تیز شدن می‌توانند در قالب کنایه محتوا را منتقل کنند.

الف. **حالت بدن:** دندان نداشتن یا کندن آن.

کنایه: دندان کنده (همان: ۳۷۲): دست طمع و سود کسی را بریدن.
کنایه: دندان نیاز افکند (همان: ۶۷۶): بی‌نیاز شدن و طمع بریدن.

ب. **حالت بدن:** دندان‌های بالا و پایین را به هم ساییدن و فشار دادن.
کنایه: دندان نیاز فشرده (همان: ۶۹): سخت عرض نیاز کردن.
کنایه: دندان مبالغه‌ت افشرد (همان: ۶۸۳): خشم و کینه داشتن.

۲-۵-۱۱. گوش

در زبان فارسی، گوش به‌عنوان یک عضو شنوای توانسته به‌وسیله بیان حالاتی از زبان بدن، از طریق کنایه، پیام‌هایی مانند فرمان‌برداری و مجازات و مواخذه را انتقال دهد.

الف. **حالت بدن:** حلقه در گوش کردن.

کنایه: حلقه در گوش کرد (همان: ۱۱۰): فرمان‌بردار و مطیع شدن.

ب. **حالت بدن:** گرفتن گوش و مالش آن.
کنایه: گوش مالید (همان: ۳۱۱): تنبیه و مجازات.

۲-۵-۱۲. لب و بوس

در گذشته بوسیدن دست‌وپا یا بساط و درگاه بزرگان، نشانهٔ احترام بوده است. در مرزبان‌نامه چندین کنایه با این محتوا برای بیان مقصود نویسنده ارائه شده است. لب به‌عنوان عضو انجام دهنده این عمل، توانسته خود را در جمع اعضایی که از زبان بدن برای انتقال پیام استفاده می‌کنند، وارد کند.

الف. حالت بدن: خم شدن کمر و بوسیدن زمین یا چیزی روی زمین.

کنایه: زمین خدمت بوسه داد (همان: ۳۲۱): اظهار چاکری کردن.

کنایه: عتبه خدمت ببوسید (همان: ۴۵۱): ورود محضر شاه و اظهار بندگی کردن.

ب. حالت بدن: جام در دست گرفتن و به دهان نزدیک کردن.

کنایه: قدح به پیش لب آورده (همان: ۳۶۴): خوشبختی را نشان دادن.

۲-۵-۱۲. سایر حرکات بدن

هر حرکتی «شبیبه به کلمه‌ای در زبان است. غالباً یک کلمهٔ مجزا، بی‌معناست، تنها وقتی یک‌رشته کلمات در یک جمله کنار هم قرار می‌گیرند، پیامی آشکار می‌شود. در مطالعه حرکت اندام‌ها، بر تعبیر و تفسیر حرکت‌های به هم پیوستهٔ دست، پا، سر و ... تأکید شده است؛ زیرا در برخی از حرکت‌ها و ژست‌ها چندین عضو باهم نقش دارند و مفهومی واحد را (به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه) منتقل می‌کنند.» (بریسج، ۱۳۸۲: ۷)

الف. حالت بدن: بدن را به طرفی منحرف کردن.

کنایه: خود را به یک‌سو کشید (همان: ۲۰۸) کناره‌گیری کردن و انجام ندادن.

ب. حالت بدن: سینهٔ پهن داشتن.

کنایه: سینه‌ها مشروح گردانید (همان: ۴۲۲): آگاهانیدن.

۲-۵-۱۴. عنان و زمام

با آنکه عنان و زمام چهارپا، عضوی از بدن نیست اما به دلیل اینکه در دست قرار می‌گیرد و ساختار فیزیکی بدن متناسب با آن شکل خاصی می‌گیرد؛ توانسته معانی کنایی زیادی را در برگیرد. حالات بدن در ارتباط با عنان شامل: گرفتن یا رها کردن آن با دست، کشیدن یا جویدن آن که هر کدام معنایی را شامل می‌شوند.

الف. حالت بدن: عنان و افسار را در دست داشتن یا از دست دادن.

کنایه: عنان از دست داد (همان: ۲۱۷): اختیار خود را از دست دادن.
کنایه: عنان لذات و شهوات با دست گرفت (همان: ۵۷۲): تسلط و اختیار داشتن.

ب. حالت بدن: کشیدن عنان چهارپا.
کنایه: عنان بازکشید. (همان: ۵۱۷): کاری را متوقف کردن.

پ. حالت بدن: جویدن لگام.
کنایه: لگام ریاضت ایشان خاییده باشد. (همان: ۲۸۹)

۳. نتیجه‌گیری

در زبان فارسی نوعی از کنایه وجود دارد که با بیان حالتی از ساختار بدن یا تغییرات فیزیکی جسم، به انتقال پیام و محتوای خود می‌پردازد. درواقع با به تصویر کشیده شدن زبان بدن، معنایی در ذهن مخاطب به تصویر می‌کشیده می‌شود. معنای اولیه (لازم) این نوع کنایه‌ها، دربردارنده زبان بدن و حالت جسم است که به دلیل تکرار زیاد آن، به زبان گفتار وارد شده و کم‌کم به کنایه تبدیل شده است و معنای ثانویه (ملزوم) را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. سعدالدین وراوینی در کتاب مرزبان‌نامه، از بسیاری از این کنایات بهره برده است. اندام‌ها و اعضای که حالت یا تغییرات فیزیکی آن‌ها در کنایات مرزبان‌نامه، دربردارنده پیام هستند عبارت‌اند از: دست و انگشت، چشم، روی و پیشانی، پای و قدم، پوشش و لباس، سر، گردن، دهان و زبان، کمر و دور شکم، دندان، گوش، لب و بوس، تناسب بدن با عنان و افسار و حرکات جسم. مجموعه این حالات شامل هشتاد حالت بدن و پوشش بدن است که هر کدام دربردارنده چندین کنایه مرتبط با خود است.

این مقاله با یافتن، بیان، معنا و تحلیل کنایه‌های زبان بدن، چگونگی ارتباط و ارسال پیام به مخاطب را به‌وسیله حرکات جسم و پوشش ارائه کرده است. آنچه این مقاله به اثبات آن پرداخت، کنایه‌هایی بود که در طی سالیان دراز وارد زبان فارسی شده‌اند که نشان‌دهنده این است که می‌توان با وارد کردن حالات و تغییرات چهره و بدن، در زبان به شکل تأثیر گزار تر و زیباتری مطلب را بیان کرد.

کتاب‌شناسی

- آدلر، آلفرد (۱۳۶۱)، *روان‌شناسی فردی*، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، تهران: پیشگام.
- آرژیل، مایکل (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن*، ترجمه مرجان فرجی. تهران: مهتاب.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۶)، *تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ*، چاپ ششم، تهران: آگه.
- الهامی، سید احمد (بلا تا)، *جواهرالبلاغه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۳)، *زبان و تفکر*، چاپ پنجم، تهران: فرهنگ معاصر.
- برسیج، جوزف (۱۳۸۲)، *زبان تن*، ترجمه باقر ثنایی و فرشاد بهاری، تهران: بعثت.
- پیز، آلن (۱۳۷۸)، *زبان بدن*، ترجمه سعیده لرپری زنگنه، تهران: نشر جانان.
- پهلوان نژاد، محمدرضا (۱۳۸۶)، «ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی»، *زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۳، شماره ۶، صص ۳۴-۱۳
- حمزه، فرهاد (۱۳۸۸)، «از رفتارگرایی تا جغرافیای رفتاری»، *جغرافیا*، دوره ۳، شماره ۸-۹، صص ۷۱-۹۷
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، *شعر بی دروغ شعر بی نقاب*، تهران: علمی.
- علمایی، نسیه (۱۳۹۰)، «قران از نگاهی دیگر؛ بررسی ارتباطات غیرکلامی در قران و آموزه‌های روان‌شناسی»، *بینات*، دوره ۱۸، شماره ۷۱، صص ۱۷۰-۱۹۰
- سوسور، فردیناندو (۱۳۷۸)، *دوره زبان‌شناسی همگانی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس.
- سوسمان، لایل و سام دیپ (۱۳۷۶)، *تجربه ارتباطات در روابط انسانی*، ترجمه حبیب‌الله دعایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- شمس قیس رازی (۱۳۳۵)، *المعجم فی معاییر الاشعار عجم*، به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، با مقدمه مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰)، *بیان*، ویراست چهارم، تهران: میترا.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹)، *بلاغت تصویر*، تهران: قطره.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۸)، *ارتباطات انسانی*، جلد یک، چاپ سوم، تهران: رسا.
- فیست، جی. فیست و همکاران (۱۳۹۵)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، چاپ پانزدهم، تهران: روان.
- کونکه، الیزابت (۱۳۹۴)، *زبان بدن*، ترجمه مریم هدایتی، تهران: آوند دانش.
- کوئیلیام، سوزان (۱۳۹۸)، *اسرار زبان بدن*، ترجمه ثریا شریفی، چاپ پنجم، تهران: نسل نواندیش.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴)، *تجدد و تشخیص*، چاپ دهم، تهران: نشر نی.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۹)، *ارتباط‌شناسی*، تهران: سروش.

میرزا نیا، منصور (۱۳۸۲)، *فرهنگ‌نامه کنایه*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

ودایع، پویا (۱۳۹۹)، *مهندسی زبان بدن*، چاپ پنجم، تهران: نسل نواندیش.

وراوینی، سعدالدین (۱۳۸۴)، *مرزبان‌نامه*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ دهم، تهران: صفی‌علیشاه.

هارجی، اون و ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۳۷۷)، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی*، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت، تهران: رشد.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰)، *معانی و بیان*، تهران: هما.

۱. Korte, Barbara (۱۹۹۷). *Boby Language in Literature*. University of Toronto Press
2. Furnham, (2000) *Adrianbody language at work*. Second edition, London: cip.

Body Language as a Strategy for Making Irony; A Case Study of the Marzbannameh of Varavini

Masoud Kazrani1- *Hossein Salimi2- Mojahid Gholami3

1. Master's Student, Sustainable Literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. Email: masoud4639k@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. (Corresponding Author) Email: hsalimi@pgu.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. Email: mojahed.gholami@pgu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
۲۰۲۵/۰۸/۰۵

Accepted:
۲۰۲۵/۱۱/۲۳

Keywords:
Rhetoric
Marzbannameh
Irony
Body language
Communication

ABSTRACT

According to the definition of early rhetoricians, irony is a word from which the necessary meaning of its original meaning is intended, but the intention of the original meaning is also permissible while the necessary meaning of the original meaning is also permissible, and this clause distinguishes irony from "metaphor" and "permissible". The sources of irony are diverse, and reflection on them indicates that a group of ironies are linked to body language; that is, body postures, physical changes, or gestures by members in an ironic manner express a secondary meaning; for example, raising the head, frowning, stepping forward, rolling up the sleeves, etc. In this essay, which is prepared using an analytical-descriptive method and relying on library resources, such ironies in the book "Marzbannameh" have been analyzed and analyzed as a statistical community. For this purpose, after extracting the ironies in the Marzbannameh, these ironies have been classified with their central core in mind in order to show what role body language plays in producing ironies and how it works. In addition, Saad al-Din Varavini expresses expressions derived from body language that have an ironic connotation, in line with his goal of literary re-creation of an ancient text, using aesthetic and rhetorical techniques, in various literary forms and commendable illustrations that are worthy of recognition and examination.
